

آثار تلاش‌ها و رهنمودهای رهبر انقلاب در حرکت قرآنی کشور

مطلبی، بارها آیات قرآن و فهرست‌های قرآنی را جستجو می‌کند تا ببیند در این باره ایده‌ای وجود دارد یا نه، با آن کسی که آیات قرآن در ذهن اوست، قرآن در دل اوست، آیات قرآن جلوی چشم اوست؛ نگاه می‌کند، آنچه را که هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد، از قرآن استنباط و استخراج می‌کند و روی آن فکر و تأمل می‌کند و از آن استفاده می‌برد. دوران جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است. البته این مقدمه است؛ آشنایی با الفاظ و ظواهر قرآن، گام اول است؛ اما گام اول لازم، اگر دانش‌پژوهان دینی و قرآنی، این قدم را برندارند، قدم‌های بعدی دشوار و گاهی هم ناممکن خواهد شد.

بیانات رهبر در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور در ۲۸ شهریور ۱۳۸۰

رهبر معظم انقلاب همچنین فرمودند: مسأله حفظ را خیلی جدی بگیرید. متأسفانه ما و بچه‌هایمان، حفظ قرآن نداریم، بگذارید یک خرده جلو برویم و در سطح کشور مسأله حفظ قرآن را گسترش بدهیم؛ آن گاه حرفی نداریم که در موقع سربازی، حافظان قرآن را معاف کنیم. البته ما نباید این طور بگوییم که حافظ قرآن معاف است؛ چون مسأله سربازی در این جا، غیر از سربازی در مصر است. سربازی در این جا، مثل قرآن خواندن است و جهاد فی سبیل الله است. جهاد فی سبیل الله با قرآن خواندن، عدلین هستند؛ اینها از هم جدا نیستند.

فرمودند: شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می‌گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن و برای خودتان فراهم می‌کنید. این چیز بسیار با ارزشی است. ممکن است در سنین جوانی، معنای و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید – فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید – اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پشرفت علمی، هر چه علم شما بیشتر بشود، از آیات قرآن که در حافظه شما و در ذهن شماست، بیشتر استفاده می‌کنید. حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. فرق است بین کسی که برای

(قرآن کتاب هدایت می‌باشد)

آیت الله العظمی خاتمی‌ای در جای دیگر تأکید

فرمودند: شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می‌گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن و برای خودتان فراهم می‌کنید. این چیز بسیار با ارزشی است. ممکن است در سنین جوانی، معنای و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید – فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید – اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیشرفت علمی، هر چه علم شما بیشتر بشود، از آیات قرآن که در حافظه شما و در ذهن شماست، بیشتر استفاده می‌کنید. حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. فرق است بین کسی که برای

«ایلهان»؛ وقتی یک پناهنده مسلمان کلیشه‌های آمریکا را می‌شکند

دقیق، خانواده‌اش توانستند پناهندگی دریافت کنند و وارد آریلنتون، ویرجینیا شوند. ایلهان در ۱۲ سالگی در حالی وارد آمریکا شد که از نظر مالی در وضعیت بدی به سر می‌برد و تنها قادر بود به زبان سومالیایی صحبت کند. او با وجود آنکه سال‌های تحصیل را از دست داده بود، تصمیم گرفت آستین‌ها را بالا بزند و در جست‌وجوی زندگی برآید. اما مسیری که او پیمود، مسیر ساده‌ای نبود؛ آن هم برای زنی مسلمان و رنگین‌پوست در جامعه آمریکا با قاعده و قوانین خاص خود.

کتاب هرچند درباره یک نماینده کنگره است، اما اصلا بیانیه سیاسی نیست. قلم نویسنده از پرداختن به موضوعات و تجربیات شخصی، «ایلهان» را به کتابی خواندنی تبدیل کرده است. «ایلهان» تنها داستان یک زن نیست، بلکه نمادی است از زنان مسلمانی که در جامعه غرب با چالش‌های مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند. خواندن این کتاب به مخاطبان کمک می‌کند تا دیدگاه عمیق‌تری نسبت به چالش‌های پیش روی مسلمانان در غرب پیدا کنند و از تجربیات ایلهان عمر الهام بگیرند. این اثر نه تنها یک داستان شخصی است، بلکه یک بیانیه قوی درباره حقوق بشر و عدالت اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

در جملۀ ویژگی‌های داستان «ایلهان» تعصب او به وطن و اعتقادات خود است. در جای‌جای روایت‌های او از زندگی می‌توان رد پای این معنای عمیق گرسنگی و مرگ را درک کرد. چهار سال بعد، پس از یک فرایند بررسی ایلهان عمر تنها هشت سال داشت که جنگ در سومالی آغاز شد. او کوچکترین فرزند از هفت فرزند بود و مادرش زمانی که ایلهان هنوز دختر کوچکی بود، فوت کرد. او توسط پدر و پدربزرگش بزرگ می‌شد که افراد مسلمان به محل زندگی‌شان حمله کردند؛ به همین دلیل خانواده او تصمیم گرفتند از موگادیشو فرار کنند. آنها سر از یک اردوگاه پناهندگان در کنیا درآوردند؛ جایی که ایلهان می‌گوید معنای عمیق گرسنگی و مرگ را درک کرد.

کتاب «ایلهان» به مخاطبان کمک می‌کند تا دیدگاه عمیق‌تری نسبت به چالش‌های پیش رو مسلمانان در غرب پیدا کنند و از تجربیات ایلهان عمر الهام بگیرند. کتاب «ایلهان»، تازه‌ترین اثر نشر معارف با نگاهی به زندگی ایلهان عمر، نماینده مسلمان کنگره آمریکا با ترجمه سپیده اشرفی منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. این کتاب که به قلم ریکا پیلی نوشته شده، داستان تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی زن مسلمان و رنگین‌پوستی است که توانست کلیشه‌های ذهنی جامعه آمریکا را تغییر دهد. زندگی ایلهان عمر به عنوان یکی از اولین زنانی که به کنگره آمریکا راه یافت و توانست با وجود همه محدودیت‌هایی که برای رنگین‌پوستان و مهاجران در این کشور برقرار است، مسیر رشد را طی کند؛ قابل تأمل و خواندنی است.

ایلهان عمر تنها هشت سال داشت که جنگ در سومالی آغاز شد. او کوچکترین فرزند از هفت فرزند بود و مادرش زمانی که ایلهان هنوز دختر کوچکی بود، فوت کرد. او توسط پدر و پدربزرگش بزرگ می‌شد که افراد مسلمان به محل زندگی‌شان حمله کردند؛ به همین دلیل خانواده او تصمیم گرفتند از موگادیشو فرار کنند. آنها سر از یک اردوگاه پناهندگان در کنیا درآوردند؛ جایی که ایلهان می‌گوید معنای عمیق گرسنگی و مرگ را درک کرد. چهار سال بعد، پس از یک فرایند بررسی

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی قم با تأکید بر رسالت حوزه‌های علمیه در پیوند با انقلاب اسلامی گفت:اگر کنکاش‌های علمی توانمند در میدان عمل آزموده شده و پاسخ‌گو باشد، فاقد ارزش واقعی خواهد بود.

نشست گفتگمانی حوزه آینده؛ فرصت‌ها و چالش‌ها با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی جهانگیری، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی قم برگزار شد.

وی در این نشست به تبیین تفاوت‌های بنیادین میان حوزه علمیه قم و نجف پرداخت و بر ضرورت هم‌افزایی رسالت‌های تحقیق، تبلیغ و تحقق در حوزه‌های علمیه تأکید کرد.

تفاوت رویکردهای حوزه قم و نجف حجت‌الاسلام جهانگیری با اشاره به ترندهای کلان و تمایز دو حوزه قم و نجف اظهار داشت: حوزه علمیه قم رسالت تبلیغی و تحقیقی را تואمان پیگیری کرده و تلاش دارد تا یافته‌های علمی را در میدان عمل به کار گیرد.

وی افزود: امام خمینی (ره) برای نخستین‌بار آنچه را در فقه آموخته بود، به میدان آورد تا قابلیت پاسخگویی فقه را بیازماید و نظریات حوزوی را بازافزینی کند.

جهانگیری در ادامه، با اشاره به گذشت یک قرن از تأسیس حوزه علمیه قم، یادآور شد: حوزه نجف با سابقه بیش از هزار سال،



العلمین به.

آثار تلاش‌ها و رهنمودهای رهبر انقلاب در حرکت قرآنی کشور

آیت‌الله حسن‌زاده آملی هم درباره حفظ قرآن می‌نویسد: حقیقت امر این است که از همان ابتدا عشق عجیبی به دیوان شعرا و نیز نظم و شعر داشتم. روی این ذوق، همان وقت، تمام دوبیتی‌های بابا طاهر را حفظ بودم و تمام رباعیات خیام را و اکثر غزلیات حافظ را، همین طور دیگران را. ای کاش از همان وقت کسی به من می‌گفت که آقا به جای اینکه این‌ها را حفظ کنی، شروع کن به حفظ قرآن و الان این حسرت برای من به جای مانده

است که این شوق و علاقه‌ای که به داوین (دیوان‌های) شعرا داشتم، کاش در حفظ قرآن به کار می‌بردم. (میراث ماندگار ص ۵۶۳) ایشان درباره نهضت قرآنی در حفظ قرآن می‌گفت: نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی در میهن اسلامی ما آغاز گشته است، مرهون خون هزاران شهید و تلاش خادمان دلسوز قرآن کریم می‌باشد. در این میان تلاش‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خاتمی‌ای دام ظلله العالی به عنوان پرچمدار این نهضت مبارک، تأثیر بسزایی در آوج‌گیری و به بار نشستن حرکت قرآنی در کشور داشته است.



گیج شده بودم، نمی‌خواستم از نماینده‌ها ببرسم؛ چون ممکن بود رای نیاورم. از زمانی که حجاب در سال ۲۰۰۵ بخشی از وجودم شده بود، برایم نمادی از ارزش‌هایی بود که می‌خواستم با آن زندگی کنم و به مرور برایم منادار شد.

در جامعه‌ای بودم که بعد از حملات ترافنده، بسیاری تصمیم به برداشتن حجاب و تراشیدن ریش‌هایشان کرده بودند. اینکه به شکل علنی نشان دهم که مسلمان هستم، به منزله یک تهدید بود. در آن زمان برایم مهم بود که حجاب



تحقق دین از طریق پیوند سه‌گانه تحقیق، تبلیغ و اقامه

جهانگیری افزود: در حوزه قم امروز، نظریه‌پردازان و با میدان تحقق گره خورده است، تصریح کرد: نظریه‌ای که با میدان عمل پیوند نداشته باشد، نمی‌تواند نسخه دقیق و مؤثری برای تحقق دین ارائه دهد. امام خمینی(ره) با پیوند دادن سه رسالت تحقیق، تبلیغ و اقامه، مسیر جدیدی برای حوزه ترسیم کرد که در آن، هر میدان عمل آزموده شده و پاسخ‌گو باشد، فاقد ارزش واقعی خواهد بود.

جهانگیری در عین حال هشدار داد: رسالت اقامه دین نباید جایگزین تولید نظریه و تبلیغ شود، بلکه این سه مأموریت باید در پیوند با یکدیگر به‌صورت تואمان دنبال شوند. امامین انقلاب نیز همواره بر عمق نظریه‌پردازی و بهره‌گیری از ابزار تبلیغ برای به اشتراک‌گذاری آموزه‌های دینی تأکید داشته‌اند.

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۶۹۵

۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴/ با ما همراه شوید

www.serajonline.com - @serajname

فرهنگ و هنر

خانواده مستبد شاخصه ها و راهکارها



دکتر مجتبی خندان
(پژوهشگر عرصه خانواده)

زمینه ی رفتارهای منفی را فراهم می سازد. برای از بین بردن غفلت، « تذکر» ضروری است و این تنها به فرزندان اختصاص ندارد. همه به تذکر نیازمندیم و البته هر چه زمینه ی غفلت بیشتر باشد، ضرورت تذکر نیز بیشتر است. این روش آن قدر اهمیت دارد که خدایوند مینا به پیامبر رحمت می فرماید: اِنَّمَا اَنْتَ مُذَكِّرٌ(۱۱) «هنا تو تذکردهنده هستی». به مؤمنان نیز توصیه می کند که برای سودبخشی به یکدیگر، از عمل تذکر استفاده کنند: فَذَكِّرْ وَ ذَكَّرَ فِرَائِنَ الذَّكَرِی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ(۱۲) « و تذکر بده، که تذکر، مؤمنین را سود می بخشد». یادآوری پیامدهای رفتار به فرزندان و از غفلت درآوردن آنها، راه مناسبی برای باز دارندگی است. البته به شرط آنکه با ملامت انجام شود، در خفا و دور از چشم دیگران باشد و در تذکر دادن افراط صورت نگیرد تا شایبه ی مداخله در امور فرزند پیش نیاید.

یکی از راه های تربیت که گاه نتایج سودمند در بردارد، قهر است؛ رابطه ی عاطفی و پیوند مهربانی برای مدت کوتاهی بریده شود. نیاز فرزند به انس و عاطفه ی والدین به حدی است که فراق کوتاه مدت عاطفی نیز باعث می شود در رفتار منفی صرف نظر کند. گاه برای فرزند نه هماهنگی رفتار با قانون آرام بخش است و نه تضاد آن دو را نارامی می سازد، بلکه فقط برایش مهم این است که رفتارش مطابق نظر پدر و مادرش باشد. او می خواهد والدین، او را بپذیرند و تأیید کنند. قهر و قطع رابطه ی کوتاه مدت به او این احساس را القا می کند که اگر از قانون پیروی نکند پذیرفته نمی شود و باید در تنهایی و سکوت زندگی کند.

در نظام تربیتی اسلام، قبل از اینکه کار به تنبیه (به معنای ویژه ی آن، که شامل کتک زدن و... است) برسد، از قهر به مثابه ی شیوه ی ملایم تر استفاده می شود. روزی مردی خدمت امام کاظم(ع) رسید و از اخلاق و رفتار نامناسب فرزندش شکایت کرد و اظهار کرد که در بعضی مواقع برای تربیت او، به کتک زدن نیز رو آورده است. حضرت فرمودند: «او را تنز، با او قهر کن، اما قهر خود را طولانی نکن.»(۱۳)

این روش در صورتی که قهر مؤثر واقع شود و فرزند رفتار منفی را کنار بگذارد، پذیرفته شده است، اما اگر قهر زمینه های خودمری فرزند را تقویت کند، تا او با خیالی آسوده در رفتار منفی خود را ادامه و افزایش دهد، بی آنکه کسی مزاحم کارش شود و از خدا بخواهد که قهر والدین طولانی تر شود، والدین شیوه نه تنها مفید نیست، بلکه بسیار مضر است.

به همین دلیل، قهر نباید طولانی شود؛ زیرا عادی می شود و تأثیر مثبت خود را از دست می دهد. قهر با کودکانی باید خیلی کوتاه باشد و یک ساعت نیز طول نکشد. مدت قهر با بزرگ سالان نیز باید کوتاه باشد و از سه روز تجاوز نکند. حضرت علی (ع) بدین می کند که رسول خدا (ص) قهر و هجران را نهی کرده اند. آن‌ها فرمودند: «اگر به ناچار باید قهر صورت گیرد، پس با برادر خود آن را سه روز بیشتر طول ندهید. هر کس بیش از این، قهر خود را طول دهد، آتش به او سرازور است.»(۱۴) در صورتی که از این راهکار برای تربیت فرزند استفاده کردید، سعی کنید همه ی اعضای خانواده به قهر متوسل نشوند. اگر پدر یا فرزند قهر کرده است، مادر با او قهر نباید نباشد و اگر مادر با او قهر کرده است پدر با او قهر نباشد و چنانچه به دلیل بالا بودن جنبه ی منفی رفتار، هر دو با او قهر کرده اند، برادرها و خواهرها قهر نباشند و با او صحبت کنند. دلیل قهر والدین را با زبانی در سطح گروه همسال با او گوشزد، و طبیعی بودن رفتار پدر و مادر را تبیین کنند.

والدین پس از قهری کوتاه، زمینه ی آشتی را فراهم کنند و فرصتی برای فرزند پدید آورند و او به آشتی رو آورد و با تغییرِ این، اندک، پذیرای او باشند. خدایوند متعال به آدم و حوا فرمود: اَشْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّةَ وَ کُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِینَ (۱۵) « در بهشت بمانید و از خوردنی های آن بهره مند شوید، ولی به درخت ممنوعه نزدیک نشوید؛ که در ظالمان خواهید بود.» اینجا باید بود که شیطان، آنها را فریب داد و از بهشت بیرون راند. خدایوند می فرماید: وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا وَ لَکُم فِی الْاَرْضِ سَفَرٌ وَ مَنَآجَ اِلَی جِینَ(۱۶) « و به او بگویم که به زمین فرود آیید، در حالی که بعضی از شما با دیگری دشمن خواهد بود و برایتان در زمین قراقرگاه است و از چندی بهره مند هستید.» اینجا خدایوند، آنها را از پیش خود راند، اما بلافاصله آیه ی بعدی می گوید: فَتَنَّاکَ فِی الْاَرْضِ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَنَاتْ عَلَیْهِ اِنَّهُ هُوَ السَّوَّبَاتِ الَّذِینَ(۱۷) « سپس آدم از سوی پروردگارش کلماتی را دریافت کرد و خدایوند بر او بخشود؛ به درستی که او بسیار توبه پذیر و مهربان است.» خدایوند متان با این کلمات، مسیر بازگشت آدم را فراهم ساخت و لغزش او را بخشید. والدین باید این حالت را در وجود خود تقویت کنند و مهربانی و عطفوت خود را نشان دهند.

ادامه دارد.....

قسمت سوم.

شاخص های اصلی خانواده ی مستبد

در خانه ای که فضای مستبدانه حاکم است. فرزندان به اطاعت بی چون و چیرا ملزم اند. آنها در تصمیم گیری های خانواده کمتر نقش دارند. گاه با اینکه فرزندان اغلب خوش رفتار و با ادب هستند به آنها توجهی نمی شود. این گونه فرزندان در آینده با کم ترین انگیزه، یایی و سرکش می شوند. (۹) در این نوع خانواده ها فرزند حق دارد اظهار نظر کند، اما فقط چیزی را بگوید که پدر و مادر به شنیدن آن مایل هستند. طبیعی است که فرزندان در چنین فضایی طرد و تحقیر می شوند. از اینکه والدینشان سخت گیرند، احساس می کنند موفق نخواهند شد و اضطراب و نگرانی آنها، همیشگی است. این خانواده ها بسیار بر تنبیه تکیه می کنند. آنها به جای تکیه بر بازخورد مثبت، به تنبیه و مجازات رو می آورند. در نتیجه، این موارد پدید می آید:

- به جای اینکه با بازخورد مثبت، احساس خوبی در فرد پدید آید، با بازخورد منفی، احساس ناخوشایند و خشم به وجود می آید؛ - به جای آنکه بر رفتارهای مثبت تأکید شود، رفتارهای منفی جلب توجه می کند؛ - به جای انگیزه ی مثبت، انگیزه ی منفی افزایش می یابد؛ - به جای احساس موفقیت، احساس شکست پدید می آید؛ - به جای عزت نفس و اعتماد به نفس، حقارت و بی اعتمادی شکل می گیرد؛ - به جای استقامت و پیگیری کار برای رسیدن به هدف، و امید به خوشبختی، تردید و ناامیدی آموزش داده می شود؛ - به جای مسئولیت پذیری، مسئولیت گریزی ملاک قرار می گیرد؛ - به جای روابط سالم در نهاد خانواده، بیگانگی و خصومت شکل می گیرد؛

- به جای برون گرایی و رابطه ی قوی، بی ارتباطی و انسوا رخ می دهد؛ - به جای رفتارهای مثبت و عاطفی با دیگران، رفتارهای رخرشگرانه رفتار با قانون آرام بخش است

- به جای دل به دست آوردن، دل شکستن فراوانی می شود. - در حد امکان، باید تلاش کرد با رو آوردن به بازخورد مثبت در برابر رفتار مثبت، از تنبیه در برابر رفتار منفی دوری جست. این نوع مقابله با رفتار منفی، یعنی بازخورد مثبت به رفتار مثبت و ترک آن در رفتار منفی، آسیب کمتری دارد. امام علی (ع) می فرماید: «خطاکار را با پاداش دادن به نیکوکار، از خطا دور کن.»(۱۰) بی شک آزادی های بیش از حد برای هیچ کس مفید نیست و برای فرزندان به دلیل تجربه ی کم و ناآگاهی، ممکن است بسیار مضر باشد. ضرر این نوع آزادی، کمتر از استبداد و اسارت فرزند نیست. برای اینکه به این افراط و تفریط دچار نشویم، راه اعتدال را بیماییم، باید شیوه ی استفاده از بازدارنده ها را بیاموزیم.

از میان راه های بازدارندگی، به موارد مهم تر اشاره می کنیم:

۱. امر و نهی

از آنجا که فرزندان درباره ی مسائل پیرامونشان، تیزبینی لازم را ندارند و طبع آزادی خواه آنها به سمت تجربه کردن برخی رفتارهاست که ممکن است عواقب تلخی داشته باشد، والدین باید آنها را به رفتارهای مثبت دعوت کنند و از رفتارهای منفی باز دارند. این امر و نهی ها زندگی سالم را برای آنها فراهم می آورد.

آنچه در این بخش اهمیت دارد، این است که فرزندان به ویژه در پایان دوره ی نوجوانی و دوره ی جوانی از امر و نهی دیگران ناراحت می شوند و آن را سلطه طلبی می دانند. بدین جهت، باید در امر و نهی به این نکات توجه شود:

- امر و نهی، تنها راه نفوذ به دنیای فرزندان نیست، بلکه در موارد فراوانی، همدلی و همراهی راه دستیابی به نتیجه را هموارتر می کند؛ - والدین، خود را بی نقص و کامل، فهمد و تیزبینی و در مقابل، فرزند را ننان، قاصد و هم و معرض خطر معرفی نکنند. فکر نکنند این کار باعث اعتماد بیشتر فرزندان به آنها می شود. فرزندان این کار را تحقیر و توهمین می دانند؛ - امر و نهی را فقط برای امور مهم و اساسی به کار برید و فزاینده از آن استفاده نکنید. به عبارت دیگر، تر ضرورتی پدید نیامده است، امر و نهی نکنید؛ - هدف دعوت ما باید به طور کامل روشن باشد تا فرزندان دچار ابهام و تردید نشود؛ - لحن مستبدانه از امر و نهی برداشتنه شود؛ زیرا فرزندان حتی قبل از نوجوانی نیز چنین لحنی را تحمل نمی کنند؛

- کاری که به نظر پدر و مادر ضروری باشد و به طور حتم باید انجام شود، قابل نظرخواهی از فرزند نیست؛ زیرا چنانچه پاسخ فرزند منفی باشد، ادامه ی کار دشوار می شود؛ - در نظر گرفتن ظرفیت و توان فرزندان، محیطی که در آن زندگی می کنند، فضای ارزشی حاکم بر گروه همسال و زمان شناسی، شاخص هایی هستند که در انتخاب محدوده ی امر و نهی و نوع آن تأثیر گذارند؛

- باور فرزند به اینکه والدین از سَر دل سوزی، خیرخواهی، بی طرفی و انصاف، وی را به کاری ترغیب می کنند یا از کاری باز می دارند، اهمیت دارد. او باید باور داشته باشد که والدین از سر کینه و برای انتقام یا آزرسانی سخن نمی گویند؛

- توجه به زبان ملموس برای فرزندان، استدلال کردن به دلایل قابل توجه برای آنها، و به زبان خودشان سخن گفتن، کارهایی است که باید انجام شود تا پذیرش افزایش یابد؛

- تحقیر و سرزنش نکردن، از اصول حاکم بر دعوت همه ی افراد بشر است تا مشکل جدیدی به مشکلات افزوده نشود.

۲. تذکر دادن مستمر

غفلت، عامل مهم ارتکاب رفتارهای منفی است و می توان گفت: این عامل بیش از چهل و نادانی